

تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با تمرکز در آموزه‌های کلامی امام علی (ع) [◇]

حمزه‌علی بهرامی^۱
محمد نجفی^۲
حانیه صادقی^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف آشکارسازی جایگاه و نقش تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری انجام شد. **روش:** با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا تعریف و مفهومی مشترک، برگرفته از دیدگاه‌های گوناگون فلسفی، تربیتی و روان‌شناسی استخراج شد. **یافته‌ها:** در راستای آشکارسازی جایگاه این معنای مشترک در کلام امام علی (ع)، مصادیقی چون خودانتقادی، نداشتن پیش‌داوری ذهنی، دوران‌دیشی و تجربه‌اندوزی، به عنوان مهم‌ترین اوصاف برای تفکر انتقادی شناسایی شدند که نیازمند مهارت‌هایی چون: حقیقت‌یابی، راه‌حل‌یابی و توانایی هجرت از گذشته بود. **نتیجه‌گیری:** در نتایج پژوهش آشکار شد که مهارت‌های سه‌گانه در تفکر انتقادی، نقش بسزایی در خودآگاهی فطری دارند و جزء جدایی‌ناپذیر آن محسوب می‌شوند؛ چراکه مفهوم خودآگاهی فطری، از مفهوم توانایی درک مطابق با واقع که در تفکر انتقادی مطرح شد، جدا نبوده؛ بلکه اعم از آن بود؛ به دلیل اینکه مبنا قرار گرفتن آگاهی‌های باطنی در تفکر انتقادی به شیوه امام علی (ع) عاملی اساسی برای شکوفایی خودآگاهی فطری محسوب می‌شود و در نهایت، دسترسی انسان را به حقیقت محض در توجه به ماورای واقعیات ممکن ساخته است. **واژگان کلیدی:** امام علی (ع)، تفکر انتقادی، خودآگاهی فطری، آگاهی‌های باطنی، حقیقت‌یابی.

◇ دریافت مقاله: 98/06/28؛ تصویب نهایی: 99/10/18.

1. دکتری الهیات و معارف اسلامی، استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) / نشانی: اصفهان؛ خیابان دانشگاه، دانشگاه اصفهان / شماره: 03137932595 / Email: bahrame1918@gmail.com
2. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
3. کارشناس ارشد معارف نهج‌البلاغه.

الف) مقدمه

تفکر انتقادی یک مفهوم نوین نیست و حتی تمامی تعاریف نوظهور در این زمینه، ریشه در اندیشه‌های فلسفی از سقراط تا جان دیوئی دارد. در سنت فلسفی، اندیشمندان به ماهیت و نقش تفکر در زندگی آدمی می‌پردازند. طرفداران دیدگاه فلسفی مانند سقراط، دیوئی، پائلو فریره و افراد متأخری مانند انیس و لیپمن، بر مهارت‌های استدلال، تجزیه و تحلیل و نظام‌های منطق صوری تأکید می‌کنند. در سنت روان‌شناختی نیز مفهوم تفکر انتقادی، نشانگر بررسی تفکر آدمی از نقطه‌نظر شناختی است. در این سنت می‌توان از افرادی همچون ویگوتسکی و ژان پیاژه نام برد. این دیدگاه از علوم شناختی سرچشمه می‌گیرد و به بررسی علمی فرایندهای شناخت می‌پردازد. از این رو، به دلیل ماهیت فلسفی مفهوم تفکر انتقادی، تفکیک سنت روان‌شناختی از سنت فلسفی خالی از اشکال نیست؛ زیرا اندیشه‌های روان‌شناختی پیازه، تحت تأثیر فیلسوفانی چون کانت و کلاپارد بوده و اندیشه‌های ویگوتسکی نیز از اندیشه‌های جمع‌گرایانه مارکس تأثیر پذیرفته است (نیستانی، 1392: 20)؛ چنان‌که دیدگاه‌های فلسفی و روان‌شناختی نیز نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری دیدگاه تربیتی داشته‌اند. از این رو، پیدا کردن مرز مشخصی بین رویکرد تربیتی با رویکرد فلسفی و روان‌شناختی دشوار است.

رویکرد مورد توجه در این مقاله، تلفیقی از این سه رویکرد است که در حیطه‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری، با استناد به آموزه‌های تربیتی امام علی (ع) بررسی شده است. از این رو، زمانی که از مفاهیم تربیتی مانند جستجوگری مداوم برای کشف حقیقت، راه حل‌یابی، هجرت از گذشته، تجزیه و تحلیل اطلاعات، خودسنجی و مراقبه دائمی، توجه به لحظات زودگذر، دوراندیشی و تمرکز بر اهداف والا و پرهیز از قضاوت‌های سطحی بحث می‌شود، منظور دستیابی به اهدافی است که این سبک تفکر در پی آن است و می‌تواند سطح یادگیری، کیفیت زندگی و شیوه‌های تربیتی را متحول سازد و اسباب شکوفایی خودآگاهی فطری را فراهم کند. برای مثال، مفهوم مرگ به معنای نیستی و نبودن، یک واقعیت است؛ اما با استفاده از تفکر انتقادی، ادراکات مطابق با واقع (مانند درک لحظه‌ها، استفاده از فرصت‌ها، عبرت‌پذیری، دوری از شهوت‌پرستی، کسب ایمان و شوق دیدار خالق) در ذهن انسان شکل می‌گیرد که آگاهی از حقیقت مرگ نام دارد. درک این معنا و حقیقت، علاوه بر اینکه در لایه‌ها و مراتب اولیه آگاهی‌های باطنی و فطری انسان، نیازمند تطابق با واقعیت است؛ ولی در سطوح بالاتر، ضرورت نگاه ماورایی بر واقعیات را می‌طلبد تا از آنها عبور کند و حقیقت محض، فراتر از زمان و مکان یافت شود. بنابر این، زمانی که انسان تنها به واقعیت مرگ توجه کند، آن را همانند ایدئولوژی مادی‌گرایان، فنا و نیستی تلقی می‌کند؛ اما اگر وارد فرایند تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن شود، ادراک او بر اساس واقعیات و سپس ماورای واقعیات شکل خواهد گرفت و حقیقت اشیا برای او در سطوح مختلف نمایانگر می‌شود. لذا مرگ را دریچه‌ای از جهان ناپایدار به جهان پایدار می‌یابد و در لایه‌های عمیق‌تر این ادراک، شاهد حقیقت خود نیز خواهد بود.

1. اهمیت و ضرورت پژوهش

در تفکر انتقادی امام علی(ع)، ادراک مطابق با واقع در صورتی که ریشه در خودآگاهی فطری داشته باشد، به حقیقت منتهی می‌شود، والا صرفاً آگاهی‌های ظاهری را در اختیار انسان قرار می‌دهد که البته آنها نیز بهره‌ای از حقیقت را دارند؛ مانند اینکه مرگ را نشانه‌ای از گذرا بودن بیابد و فهم کند و به جای ترس از مرگ، به انسان بودنش بیندیشد تا در وقت ریاست بر مردمان، اخلاق و حکمت از او مشاهده شود(نهج‌البلاغه: 410-428). اما اگر انسان در لایه‌های عمیق‌تر آگاهی‌های باطنی‌اش قدم زند، قادر است منبع وجود بخشش را دریابد و به رشد و شکوفایی خودآگاهی فطری برسد؛ زیرا در این حالت از سطح ادراکات مطابق با واقع خویش فراتر رفته و قادر است بدون هیچ مانع و حجابی، شاهد حقیقت محض باشد(سامبجی، 1369: 189). ضرورت بررسی چنین تفکری، از آنجا که خاصیت مشاهده‌گری و بی‌واسطه بودن دارد و اسباب علم، آگاهی، یقین و عمل مناسب را فراهم می‌سازد، دوچندان است.

2. پیشینه پژوهش

در بررسی‌های انجام‌شده آشکار شد که به طور کلی، تحقیقات بسیاری در زمینه خودآگاهی، خداشناسی، فطرت و تفکر انتقادی از نگاه امام علی(ع) با رویکردهای مختلف انجام گرفته است؛ از جمله: «بررسی مفهوم خودشناسی در دیدگاه امام علی(ع)»(مشایخی‌پور و همکاران، 1397: 47-27)؛ «قرآن و تربیت فطری»(سجادی، 1389: 75-42)؛ «جایگاه عقل در معرفت دینی از نگاه امام علی(ع)»(لهی و همکاران، 1394: 28-1)؛ «ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع)»(بحمودی و همکاران، 1390) و «جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی(ع)»(مقتدایی و همکاران، 1395).

اما آنچه رویکرد این پژوهش را نسبت به سایر تحقیقات و مقالات متمایز می‌سازد، مبنا قرار گرفتن آگاهی‌های باطنی و خودآگاهی فطری در تفکر انتقادی بر اساس آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) است که تاکنون بررسی نشده است. هرچند دربارهٔ ویژگی‌های متفکر انتقادی و بیان مضامین آن در متون اسلامی، تحقیقات مختصری انجام شده است.

3. طرح مسئله

هر شخص با توجه به جهان‌بینی متصور و نیز پرسشها و پیش‌فرضهایی که راجع به ماهیت و حقیقت خود دارد، به برداشت و تحلیلی دربارهٔ هویت خود و نوع رابطه‌اش با جهان دست می‌یابد. در خویشتن‌بینی و جهان‌بینی امام علی(ع)، حقیقت انسان در عرصهٔ زندگی، یک حقیقت آزاد و رهاست و هرگز در برابر هیچ مخلوقی، ناتوان، خوار، واله و شیدا نیست. خداوند انسان را آزاد آفریده و دستیابی به بی‌نیازی در برابر مخلوقات را از او خواستار شده و راز این بی‌نیازی را در نیاز تام نسبت به خالق قرار داده است: «بردهٔ دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید».(نهج‌البلاغه: 386)

544 ♦ تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با ...

از دیدگاه امام علی(ع)، انسان خودآگاه، توانایی این را دارد که هرگز فریب نخورد. لذا راهکاری که به او پیشنهاد می‌شود، خردورزی همراه با حقیر شمردن هر چیز، جز ذات باری تعالی است: «خدا در جانسان، بزرگ و دیگران کوچک‌مقدارند... دنیا می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند». (همان: 294)

این سبک تفکر که همراه با حقیر شمردن سایر پدیده‌ها به جز ذات الهی است، علاوه بر نقد و بررسی مسائل مطرح، ارزیابی صحیح وقایع و سایر مؤلفه‌هایی که در تفکر انتقادی مطرح است، نیازمند جولان فکری ویژه‌ای است که با درنظر گرفتن لایه‌ها، مراتب و ابعاد متکثر نفس و نیز آگاهی‌های باطنی، موجب رشد و شکوفایی خودآگاهی فطری است.

وقتی امام(ع) می‌فرماید: «دشمن سرسخت ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید» (همان: 406)، لازم‌اش یک ذهن روشن و روح آزاد از هر قید و بندی است؛ به گونه‌ای که بتواند استقلال فکری و آزادی عمل خویش را در برابر تمامی موانع و عوامل محیطی و غیر آن حفظ کند. این در حالی است که در آموزشها بر مبنای تفکر انتقادی، بدون در نظر گرفتن آگاهی‌های فطری، امکان وقوع شعارزدگی وجود دارد.

از آنجا که آگاهی‌های فطری و باطنی نیازی به استدلال و برهان ندارند، بلکه اموری شهودی و بدیهی‌اند (طباطبایی، 1366: 58-60) و از طرفی با استفاده از تفکر انتقادی، هویت حقیقی انسان و سایر پدیده‌ها جستجو می‌شود، می‌توان شکل‌گیری اقدامهای عملی و مؤثری را در ارتقای جایگاه انسان انتظار داشت. «خداوند سبحان، دنیا را برای آخرت قرار داد و مردم را در آن به آزمایش گذاشت، تا معلوم شود کدام یک (در رفتار و عملکرد) نیکوکارتر است» (نهج‌البلاغه: 430؛ شوشتری، 1376، ج 4: 288). لذا اهمیت توجه به شهود و تلاش برای اکتساب، جهان‌بینی و جهان‌آبادانی صادقانه و باکیفیتی را به دنبال دارد.

البته اندیشیدن درباره جایگاه انسان در هستی و نوع ارتباط مؤثرش با سایر پدیده‌ها، به مهارتها، مؤلفه‌ها و شاخصهایی نیاز دارد که از میان آنها می‌توان به روحیه مبارزه‌طلبی، انعطاف‌پذیری، امیدواری، برقراری ارتباط میان واقعیت و حقیقت، داشتن انگیزه و ایده‌های ناب در سطح بالا و توان دستیابی به راه‌حلهای متنوع و گوناگون اشاره کرد. (نهج‌البلاغه: 294-296 و 390-378)

ب) روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی- تحلیلی است. بدین ترتیب ابتدا با مطالعه نظری، مفهومی مشترک از دیدگاههای روان‌شناسی، تربیتی و فلسفی در ارتباط با تفکر انتقادی شناسایی شد. سپس محتوای سخنان

امام علی(ع) برای بررسی مصادیق تفکر انتقادی تحلیل شده است. بدین منظور از نهج البلاغه و سایر کتب مرتبط برای بیان و آشکارسازی مهارتها و ویژگی‌ها استفاده شده است.

ج) خودآگاهی اولیه (فطری)

خودآگاهی فطری در فراهم کردن وحدت کارکردهای نفس، به ویژه کارکردهای شناختی، نقش مرکزی ایفا می‌کند و همواره در نفس انسان حضوری فعال دارد. این خودآگاهی در محدوده دانش فطری و شهودی قرار دارد و تنها طریق دریافت و درک آن، درک وجود است. از آنجا که بنیان آگاهی‌های فطری بر ادراکات مطابق با واقع استوار است و هیچ واسطه‌ای میان انسان و حقیقت ایجاد نمی‌کند، به عنوان اولین و مؤثرترین آگاهی‌های انسانی از آن یاد می‌شود. (مطهری، 1369: 19؛ ر.ک: نهج البلاغه، خ 49، 72، 110 و سایر خطبه‌های توحیدی)

انسان با دانش اولیه و فطری خود، به قوای نفسانی و بدنی‌اش آگاه است؛ تمایز را درک می‌کند و می‌تواند بفهمد که می‌داند؛ همچنان که با درک علمی و قدرت شناخت، از سرنوشت ذاتی خود آگاه است. کاربرد لفظ «دقائق العقول» در فرازی از سخن امام علی(ع) استعاره‌ای است که بیانگر نتایج افکار و قوای عقلانی نهفته در وجود انسان است (بحرانی، 1362، ج 1: 202). انبیای الهی با این روش، قادر به کشف و استخراج دلایل و براهین روشن برای نوع بشرند تا به رشد شخصیت و تقویت خودآگاهی‌های اولیه (فطری) بشر کمک کنند. از طرف دیگر، هرگاه متفکر به دقت، به تجزیه و تحلیل مباحث پردازد و به نتایج سالم برسد، تفکرش انتقادی محسوب می‌شود (نیس، 1985). بنابر این، به نظر می‌رسد از آنجا که در تعریف تفکر انتقادی، توانایی دستیابی به حقیقت در میان انبوهی از اطلاعات به منظور دستیابی به کامل‌ترین درک ممکن لحاظ شده است (برونز، 1984) و پرداختن به آموزش تفکر انتقادی چندان شامل مبادله صرف حقایق و اطلاعات نیست، بلکه شامل آموزش دیدگاهها برای [کسب مهارتهای] تجزیه و تحلیل و تفهیم اطلاعات است (مایرز، 1374: 64)، کسب مهارتهای اساسی در تفکر انتقادی لازم است.

با توجه به جایگاه والای سخنان امام علی(ع) در پرورش استعدادهاى نهفته و خودآگاهی مسلمان، به نظر می‌رسد مهم‌ترین آنها عبارتند از: حقیقت‌یابی، راه حل‌یابی و هجرت از گذشته.

1. حقیقت‌یابی

امام علی(ع) می‌فرماید: «با آنچه در گذشته دیده یا شنیده‌ای، برای آنچه هنوز نیامده، استدلال کن؛ زیرا تحولات و امور زندگی همانند یکدیگرند» (نهج البلاغه: 390). حقیقت‌یابی که با پرسشگری آغاز می‌شود (پرسش و استدلال از هر نوعی که باشد؛ قیاسی، تمثیلی، اسقراپی)، باعث توسعه جریان تفکر

546 ♦ تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با ...

انتقادی می‌شود. تدوین اصول منطق هم که باعث پیشرفت فکری و عقلی است و از بحث‌های دروغین و سفسطه‌آمیز جلوگیری می‌کند، نتیجه تمایل به کسب مهارت حقیقت‌یابی است.

در تفکر انتقادی به شیوه امام علی(ع)، حقیقت‌یابی ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی نیز دارد؛ چنانکه می‌فرمایند: «خداوند رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فراگیرد و چون هدایت شود بپذیرد، دست به دامن هدایت‌کننده زند و نجات یابد.» (همان: 76)

در تفکر انتقادی که اندیشیدن جستجوگرانه، عمیق، روشن و شفاف درباره خود و سایر پدیده‌ها و در نهایت، پذیرش مسئولیت پیامدهای آن منظور است، توجه به ابعاد گوناگون وجود انسانی، مانند جنبه‌های جسمانی، اجتماعی، روانی، اخلاقی و عقلانی، نیز مطرح است. اما نقش بعد عقلانی و فرایند تفکر در تأثیرگذاری و غنی‌سازی بر دیگر جنبه‌های وجود آدمی، شاخص‌تر می‌نماید. بر این اساس، تقویت و توسعه تفکر انتقادی به توسعه خودآگاهی فطری منجر می‌شود؛ چنانکه امام علی(ع) می‌فرمایند: «عقلها، پیشوایان افکارند و اندیشه‌ها، پیشوایان دلها، پیشوایان حواس‌اند و حواس، پیشوایان اعضا و جوارح‌اند.» (ناظم‌زاده، 1375: 491)

بر این اساس، هر میزان تفکر انتقادی بر پایه توجه به ویژگی‌های اخلاقی در انسان رشد یابد، زمینه توجه به آگاهی‌های فطری آشکارتر شده و دریافت و پذیرش حقیقت هموارتر می‌شود. علاوه بر این، شناخت آنها و آسیب‌های آزادی انسان و مبارزه برای زدودن آنها، به تفکیک سره از ناسره می‌انجامد و سبب دقت نظر فرد در رویارویی با واقعیات می‌شود: «سوگند به خدا! می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرق‌اید» (نهج البلاغه: 56). آگاهی قطعی امام علی(ع) از مردم کوفه و شام و انتقاد از عملکرد آنان، نتیجه آگاهی کامل او به صفات درونی انسان است. در نتیجه، پیشگویی یا قطعیت در اظهار نظر نسبت به رفتار یک اجتماع، امر ناممکنی نیست.

اگر برای تمامی پدیده‌های هستی، ظاهر و باطن فرض شود؛ آنچه به وسیله حواس ظاهری درک می‌شود، واقعیت است و آنچه با حواس باطنی به دست می‌آید، حقیقت است (جعفری، 1360: 165؛ سماجی، 1369: 189). بنابر این، جهان ظاهری که ما با آن مواجه‌ایم، واقعیت هستی است که برای درک باطن آن، نیاز به یک فهم با حواس باطنی است. با کسب مهارت‌های تفکر انتقادی که اساس آن بر آگاهی‌های باطنی بنا شده است، می‌توان به حقیقت ماورای واقعیت راه یافت. بر همین اساس هم در اسلام، یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت برتر است؛ چون قرار است فرد در همین دنیای مادی در یک ساعت اندیشیدن به آنچه هفتاد سال عبادت می‌تواند به بار آورد، نایل شود.

2. راه حل‌یابی

راه حل‌یابی مشتمل بر ارزیابی ایده‌های موقت و گزینش راه حل نهایی است. در استفاده از روش آموزش حل مسئله، فرض بر این است که تفکر انتقادی با مسئله‌ای آغاز و به راه حلی ختم می‌شود. به عبارت دیگر؛ هر زمان که تفکر انتقادی با طرح پرسشهای گوناگون شروع می‌شود، جریان فکری به دنبال ارائه راه‌حلهای متنوع برای یک موضوع است (نجفی، 1388: 202) تا در صورت کارآمد نبودن یک راه حل، جولان فکری بدون وقفه به راه حل دیگری دست یابد. لذا می‌توان گفت برای درک مجموعه‌ای از راه‌حلهای، چاره‌ای جز تفکر انتقادی نیست. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «در سختی‌هایی که شما با آن روبه‌رو شدید و مشکلاتی که پشت سر گذاشتید، درسهای عبرت فراوانی است (ضعفها و قوتهای شما را نمایان می‌سازد و راه حل مشکلات را به شما می‌آموزد و تجربه‌ای برای تمام زندگانی شما خواهد بود)» (مکارم شیرازی، 1380، ج 3: 605). چنان‌که ملاحظه می‌شود، از نگاه امام (ع)، اندیشه واکاوانه در وقایع و حوادث جهان می‌تواند مهارت راه حل‌یابی را تقویت کند.

همچنین توصیه امام علی (ع) به طلحه، نسبت به عثمان برای استفاده از مهارت راه حل‌یابی بر مبنای تفکر انتقادی، به خوبی نقش این طرز تفکر را در شکوفاسازی خودآگاهی فطری آشکار می‌سازد. ایشان می‌فرمایند: «لازم بود طلحه یکی از سه راه حل را انجام می‌داد که نداد؛ اگر پسر عقیان ستمکار بود، چنانکه طلحه می‌اندیشید، سزاوار بود با قاتلان عثمان همکاری می‌کرد و از یاران عثمان دوری می‌گزید؛ یا اگر عثمان مظلوم بود، می‌بایست از کشته شدن او جلوگیری می‌کرد و نسبت به کارهای عثمان عذرهای موجه و عموم‌پسندی را طرح می‌کرد (تا خشم مردم فرو نشیند) و اگر نسبت به امور عثمان شک و تردید داشت، خوب بود که از مردم خشمگین کناره می‌گرفت و به انزوا پناه می‌برد و مردم را با عثمان وا می‌گذاشت. اما او هیچ کدام از سه راه حل را انجام نداد و به کاری دست زد که دلیل روشنی برای انجام آن نداشت و عذرهایی آورد که مردم پسند نیست» (نهج‌البلاغه: 242). واکنش منطقی امام (ع) به رفتارهای مزورانه طلحه، برگرفته از تفکر انتقادی ویژه ایشان است. توجه به خود حقیقی انسان، باعث می‌شود برای دشمن خود نیز خیرخواهی کند و راه حل پیش پایش بگذارد. این شیوه علاوه بر اینکه نشانگر شایستگی نصیحت‌گو، روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری و دوری از عداوت‌ورزی شخصی است، دشمن مدعی را نیز خلع سلاح می‌کند.

در اسلام هیچ وضعیت دشواری بدون پاسخ و بدون راه حل نیست. پیغمبر اکرم (ص) در حجه‌الوداع بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: «خداوند هرگز ستمگران دنیا را در هم نشکسته، مگر بعد از آنکه به آنان مهلت داده و نعمت فراوان بخشیده (تا فرصت فکر و اندیشه را داشته باشند) و هرگز استخوان شکسته هیچ امتی را ترمیم نکرده، مگر بعد از تحمّل مشکلات و آزمونها؛ و در سختی‌هایی که شما با آن روبه‌رو شدید و مشکلاتی که پشت سر گذارید، درسهای عبرت فراوانی است (تا به ضعفهای خود پی برید و راه حل

548 ♦ تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با ...

مشکلات را بیاموزید). ولی نه هر کس مغز دارد، اندیشمند است و نه هر صاحب گوشه شنوا و نه هر صاحب چشمی بینا». (مکارم شیرازی، 1380، ج 3: 603)

با ارائه الگویی کامل از تفکر انتقادی، به همراه آموزش مهارتها، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن بر اساس آنچه در متون اسلامی آمده است، می‌توان امیدوار بود برنامه‌ریزی در امور آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ دچار تغییر و تحولات اساسی شود. این تحول و دگرگونی که منشأ آن خودآگاهی فطری است، علاوه بر ساختار شکنی در اندیشه‌های بی‌مغز و سطحی‌نگر، جهان‌ناپیدا را در پیش چشم انسان خودآگاه آشکار می‌سازد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است و در وجود شما، آیا نمی‌بینید؟ و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می‌شوید، در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را که وعده داده می‌شوید، حقّ و یقینی است، همان گونه که شما سخن می‌گویید». (ذاریات: 20-23)

3. هجرت از گذشته

اگر امروز و دیروز انسان یکی باشد، دچار خسران و غبن می‌شود (شوشتری، 1376، ج 11: 348). روحیه سبقت‌طلبی و اشتیاق انسان برای پیشرفت و موفقیت، یکی دیگر از مهارت‌های تفکر انتقادی در نگاه امام علی (ع) است که با مسئله هجرت در اسلام نیز ارتباطی تنگاتنگ دارد.

به عبارت دیگر؛ لازمه تفاوت در دیروز و امروز، هجرت از گذشته و تمرکز بر هدف در آینده و اغتنام لحظه‌هاست. از این رو، به هر میزان روحیه سبقت‌طلبی و هجرت در این معنای خاص افزایش یابد، خودآگاهی فرد افزایش می‌یابد و تمایز فرد خودآگاه با سایرین آشکارتر می‌شود: «خدای سبحان شما را بهبود نیافرید، ... و کتابی برایتان نازل کرد که روشنگر همه چیز است ... پس باقیمانده ایام خویش را دریابید و صبر پیشه کنید؛ چرا که عمر باقیمانده، برابر روزهایی که به غفلت گذرانید و رویگردان از پندها بودید، بسیار کم است». (نهج البلاغه: 111)

از نظر قرآن و نهج البلاغه، هر انسانی از تولد تا مرگش در کوشش و تلاش است و این یک واقعیت است (نهج البلاغه: 181)؛ در حالی که حقیقت تمامی تلاشها به ملاقات خداوند منتهی می‌شود (انشقاق: 6). بنابراین، درک این حقیقت، خودآگاهی فطری است که فرد را با استفاده از مهارتی مانند هجرت از گذشته، به جای رکود به عمل، به جای زیاده‌گویی به تفکر و به جای عیبجویی، وادار به نقد سازنده می‌کند.

د) شروع تفکر انتقادی با آگاهی از لایه‌ها، مراتب و ابعاد متکثر نفس

نمونه عینی به کارگیری مهارت‌های تفکر انتقادی را می‌توان در نیاز کمیل بن زیاد نخعی برای آگاهی از خودش با پرسشی که از امام علی (ع) مطرح می‌کند، جستجو کرد؛ وقتی از امام (ع) درخواست می‌کند اطلاعاتی از نفسش در اختیار او قرار دهند تا بتواند از خود آگاه شود و امام (ع) به او می‌فرماید: کدام نفس را می‌خواهی بشناسی؟ کمیل در پاسخ می‌گوید: مگر نفس بیش از یکی است؟ و امام (ع) چنین می‌فرماید: «ای کمیل! همانا چهار نفس موجود است: نامیه نباتیه و حسیه حیوانیه و ناطقه قدسیه و کلیه الهیه و هر یک از آنها را پنج قوه و دو خصیصه است...» (زاهد، 9:1379)

بنابر این، پرسشگری به هدف حقیقت‌یابی و کشف راه حل تا رهایی و هجرت از گذشته برای فهم تازه، کمیل را واداشته است تا خودسنجی را شروع کند و نقش تفکر انتقادی را در شکوفایی خودآگاهی برجسته کند. لذا هرچند کمیل در ابتدای امر گمان می‌کند خودش را می‌شناسد، ولی ذهن جستجوگر به این مسئله اکتفا نمی‌کند. او با مغتنم شمردن فرصت و با جستجوگری درمی‌یابد که نفس او بیش از یک چیز است؛ یکی حقیقی است و در لایه‌های درونی او نهفته است که آگاهی از شئون آن می‌تواند او را به خودآگاهی و خداآگاهی برساند و آن دیگری، همانند سایه‌ای است که واقعیت ظاهری دارد. لذا اگر به خودحقیقی‌اش پشت کند، برایش دوگانگی، از خودبیگانگی و از خودفراموشی می‌آورد؛ تا جایی که ناخود را خود می‌پندارد و مشکلات فکری و عملکردی مانند توهم و شعارزدگی برایش به وجود می‌آورد. وقتی امام علی (ع) می‌فرماید: «از خودت برای خودت نگهبانی بگذار (که از تو حساب کشد) و از دنیایت برای آخرت بهره بردار» (آمدی، 1337، ج 1: 124) یا در جایی دیگر می‌فرماید: «کنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن» (نهج‌البلاغه: 332)، همگی تأکیدی بر ضرورت کسب مهارت‌های لازم به منظور شکل‌دهی تفکر انتقادی برای رسیدن به خودآگاهی فطری (اولیه) است.

همچنین در نهج‌البلاغه، نامه‌ای از امیرالمؤمنین خطاب به عثمان ابن حنیف نقل شده است که بسیار شدیدالحن و انتقادی است و در عین حال، نکات قابل توجهی را در زمینه خودآگاهی فطری در بر دارد؛ اما آنچه در اینجا مد نظر است، بخشی از سخن امام (ع) است که می‌فرماید: «به خدا سوگند! سوگندی که تنها مشیت خداوند را از آن استثنا می‌کنم، آنچنان نفس خویش را به ریاضت وادارم که به یک قرص نان - هر گاه به آن دست یابم - کاملاً متمایل شود و به نمک، به جای خورش قناعت کند.» (همان: 404)

اگر «نفس» بر مرتبه‌ای از «خویشتن» اطلاق شده است که تحت پرورش مرتبه‌ای دیگر از «نفس» قرار دارد تا به حالتی درآید که هرگز فرصت سرکشی نیابد، نباید پنداشت که در وجود انسان دو یا چند نفس موجود است؛ بلکه بیانگر این است که نفس آدمی دارای لایه‌ها و مراتب مختلف است؛ گاه بر پله نفس اماره پا می‌گذارد، گاه بر پله نفس لوازمه و گاه به اوج نردبان نفس (مطمئنه) صعود می‌کند. بنابر این، هر جا در سخنان

550 ♦ تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با ...

امام علی(ع) سخن از چند خود مطرح می‌شود، بیانگر واقعیت خلقت انسان است؛ ولی آنچه بیانگر حقیقت انسان است، در حقیقت یک چیز بیشتر نیست و آن، گوهر گرانبهایی است که تنها خداوند سزاوار خرید آن است و البته دارای مراتب و درجات نیز می‌باشد؛ چنان‌که در سطح واقعیت خودش هم دارای مراتب یا درجات است. در قرآن کریم نیز این مراتب و اوصاف برای نفس، تأیید شده است. (فجر: 30-27؛ یوسف: 53؛ قیامت: 2)

1. معنا و مفهوم تفکر انتقادی

بشر به علل گوناگون، شیفته و فریفته خرد خویش است؛ زیرا به وسیله آن، اشیا و واقعیات را از یکدیگر تمیز می‌دهد، خصوصیات آنها را درک و فوایدش را استنباط می‌کند و به صورتهای جدیدی از ماده پی می‌برد. هرچند اهمیت این مسئله در عصر اختراعات و اکتشافات دوچندان می‌شود، اما بالیدن به داشتن قوه تفکر و تعقل نمی‌تواند راهگشای مسائل و مشکلات گوناگون در جوامع بشری باشد. بنابر این، آنچه مهم است طرز تفکر و نحوه استفاده از قوه تعقل است.

اندیشیدن جستجوگرانه، عمیق، روشن و شفاف درباره خود و سایر پدیده‌ها و در نهایت، پذیرش مسئولیت پیامدهای تفکر خویش به منظور درک حقیقت و رای آنها، تفکر انتقادی محسوب می‌شود.

در توجه به ابعاد گوناگون وجود انسانی، مانند جنبه‌های جسمانی، اجتماعی، روانی، اخلاقی و عقلانی، نقش بعد عقلانی و فرایند تفکر در تأثیرگذاری و غنی‌سازی دیگر جنبه‌های وجود آدمی، شاخص و ممتاز است. از این رو، تقویت و توسعه تفکر انتقادی می‌تواند به توسعه خودآگاهی انسان منجر شود؛ چنان‌که امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «عقلها، پیشوایان افکارند و اندیشه‌ها، پیشوایان دلهایند و دلهای، پیشوایان حواس‌اند و حواس، پیشوایان اعضا و جوارح‌اند». (ناظم‌زاده، 1375: 491)

در تفکر انتقادی، ذهن باید پیوسته بجوشد تا زنده بماند (بختیار نصرآبادی، 1384: 9). ذهن بدون تحت فشار قرار دادن فرد در جریان تفکرش، سعی دارد با تدبیر و تأمل و رفتن به سوی موضوعات گوناگون و برقراری ارتباط مؤثر بین آنها به راه‌حلهای متنوع دست یابد. البته این جولان فکری و سرکشی به موضوعات گوناگون، به معنای فراموش کردن موضوع اصلی نیست؛ بلکه هدف از آن، اشراق و شهود فکری است.

در نگاه امام علی(ع)، هرچند قلب و عقل نیز مانند بدن خسته می‌شوند و احتیاج به استراحت دارند، ولی این استراحت به معنای خودبستگی در خردورزی نیست؛ بلکه در این وضعیت باید از تحمیل افکار سنگین پرهیز کرد و به جای آن از حکمت‌های ظریف، اعجاز‌انگیز، خوشحال‌کننده و ذوقیات استفاده کرد تا نشاط یابند و همواره در جولان و جوشش بمانند. (نهج‌البلاغه: 486)

2. ویژگی‌های تفکر انتقادی

در بیان ویژگی‌های متفکران انتقادی می‌توان به موارد متعدد اشاره کرد که برخی از مهم‌ترین آنها در جدول ذیل ذکر شده‌اند.

کنجکاو و پرسشگر	بی‌طرف در ارزیابی و استدلال	بدون اضطراب و تشویش	باور به توانایی‌های خود	اهل ثبات و با استقامت	همواره در صدد اجرای برنامه‌های عملی
دارای قدرت اندیشیدن دربارهٔ اشتباهات ذهنی خود و کشف و اصلاح آنها	استفاده از شیوه‌های متنوع دستیابی به اطلاعات و در نهایت راه حل‌های گوناگون برای حل مسائل	پرهیز از خودفریبی، تقلید محض و عدم صداقت	تحلیل هدفمند و منظم مسائل پیچیده اجتماعی، انسانی، سیاسی اطراف خود	رعایت جوانب احتیاط در مسایل گوناگون هنگام سخن گفتن	نتیجه‌گیری و دفاع معقول از منابع و اطلاعات گوناگون
قدرت این را دارند که با داوری درست، پیش‌داوری‌های خود را تعلیق کنند.	انعطاف‌پذیر در بررسی عقاید و پیشنهاد‌های دیگران	از مسائل بی‌ربط و بی‌اهمیت برای خود ذهنی با نشاط و فعال ساخته‌اند.	از قدرت تجزیه و تحلیل مسائل زندگی برمی‌آیند.	پرهیز از برگویی و بیهوده‌گویی با مراقبه، خلوت‌گزینی و آزاد ساختن ذهن	دارای روحیهٔ تعهد و مسئولیت‌پذیر

3. ویژگی‌های تفکر انتقادی از نگاه امام علی (ع)

توجه به ویژگی‌های تفکر انتقادی باعث می‌شود تا فرد از توانایی‌ها و امکانات ذهنی و تجربیدی خود، در موقعیتهای گوناگون برای حل مسئله استفاده کند و رفع مشکلات و چالشهای پیش رو را در شکل بهینه‌سازی شده و رشدیافته‌ای دنبال کند. اینکه چه چیزهایی در زندگی ارزش مبارزه کردن و جنگیدن دارند و چه چیزهایی را با چه خصوصیتی باید رها کرد، به معنای آگاهی از وجود خود و انتخاب سبک زندگی آگاهانه بستگی است.

یک) خودانتقادی و خودسنجی

در خودسنجی، فرد تلاش می‌کند تا از اشتباهات ذهنی خود آگاه شود. این مرحله که کاملاً ذهنی است، شامل دو مؤلفهٔ اساسی است: نخست، تفکر دربارهٔ باورهای خود؛ در این مرحله، فرد به کنجکاو، پرسشگری و توجه به منابع و اطلاعات و در نهایت، ارزیابی آنها می‌پردازد. دوم، تفکر دربارهٔ فرایند اندیشیدن یا نحوهٔ فکر کردن؛ در این مرحله، آنچه مورد توجه است، آزمودن نحوهٔ تفکر خود و توجه به نوع راه حلها، انتخاب و طرح مسئله و تحلیل و تجزیهٔ داده‌هاست. (نیسانی، 1392: 107)

این دو مؤلفه ارتباط عمیقی با یکدیگر دارند؛ زیرا در بسیاری از مواقع، ضعف انسان در تجزیه و تحلیل مسائل، ناشی از اندیشه‌ها و باورهای نادرستی است که ساختار ذهنی او را تشکیل می‌دهند و در بسیاری از

552 ♦ تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با ...

موارد دیگر، ناتوانی در اندیشیدن به شکل انتقادی، از ساختارهای ثابت تفکر و فرایندهای نادرست فکر سرچشمه می‌گیرد.

در این راستا، امام علی(ع) داشتن ذهنی خالی از هرگونه پیش‌داوری و تعصب را مقدمه خودانتقادی فرض کرده‌اند. لذا در اولین رویارویی با چنین ذهنی، به جای تحمیل عقاید خویش یا نیک و بد دانستن امور بر مبنای طرز تفکر خودشان، تنها به بیان آگاهی‌های فطری(اولیه) و ارزشهای اخلاقی در رابطه با نوجوان خویش می‌پردازند. (نهج‌البلاغه: 380-390)

یکی از پرکاربردترین توصیه‌های تربیتی امام علی(ع)، دعوت به خودسنجی است: «برای نادانی مرد همین بس که عیب خود را نشناسد» (همان: 48)؛ «پیش از آنکه مورد سنجش اعمال قرار گیرید، نفس خویش را بسنجید» (آمدی، 1378، ج 2: 504). مقصود از وزن کردن نفوس در دنیا، سنجش و رسیدگی به اعمال و افکار و تطبیق آنها بر ترازوی عدالت است. (بحرانی، 1362، ج 5: 37)

به نظر می‌رسد هنگامی که شخص به واکاوی استدلالهای درست یا نادرست خود می‌پردازد و برای شفاف‌سازی و بهبود تفکر، نحوه اندیشیدن خود را بررسی می‌کند، در حقیقت؛ گام اول در تفکر انتقادی را برداشته است. به عبارت دیگر؛ هر موضوع، محتوا و مسئله‌ای با مطالبه ماهرانه ساختارهای ذاتی تفکر و تحمیل استانداردهای ذهنی بر آنها، به اصلاح و بهبود کیفیت تفکر می‌انجامد (ریچارد پائول، 1995). بنابر این، ارزیابی فرایند تفکر خود، به عنوان تفکر خودگردان(خودفرمان)، به بهتر ساختن، شفاف کردن، تصحیح و قابل دفاع کردن تفکر می‌انجامد.

امام علی(ع) با تفکری انتقادی بر مبنای آگاهی‌های فطری و باطنی، به فرزند خود سفارش فرموده تا خویش را ملاک سنجش بین خود و دیگران قرار دهد: «نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند» (نهج‌البلاغه: 383). ابن میثم در شرح این قسمت، لفظ «میزان» را برای امام حسن(ع) استعاره می‌داند، تا همچون ترازو، بین خود و دیگران عادلانه رفتار کند(بحرانی، 1362، ج 5: 40). تنها در این شیوه تفکر، انسان قادر است به سمت عدالت و ارتقای کیفیت زندگی گام بردارد؛ زیرا یک ملاک و میزان حقیقی، ثابت و فراگیر را لحاظ کرده است. هر چند این ملاک مفهومی است، اما امام علی(ع) با تصویرسازی از آن، علاوه بر ایجاد آرامش در ذهن مخاطب، او را در درک بهتر حقایق پوشیده یاری می‌کند و تعبیر و تفسیر، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و استنباط را بارور می‌سازد.

دو دوراندیشی

از آنجا که تجربه، عامل دوراندیشی و علم، عامل خردمندی است؛ تفکر محصول دوراندیشی و دوراندیشی محصول تجربه‌ورزی خواهد بود. «دوراندیشی، در نگهداری و یادداشت تجربه است» (آمدی، 1378، ج 1: 179)؛

نیستانی، 1392: 109). به نظر می‌رسد با دوراندیشی می‌توان جریان تفکر انتقادی را فراگیر کرد و آن را گسترش داد؛ زیرا متفکر انتقادی را برمی‌انگیزاند تا پس از مطالعه و بررسی اطلاعات، نتایج و ارزیابی‌های به دست آمده را با جهان پیش رو به بحث، اشتراک و چالش بگذارد و توانایی‌های خردورزی نقّادانه را در کشف حقایق ماورای واقعیات، آشکار سازد. «دوراندیشی، پایان کار اندیشه‌ورزی را درست و شایسته می‌گرداند». (آمدی، 1337، ج 2: 472)

سه) تفکر فعال بر مبنای عدالت‌ورزی

از احادیث نقل شده از امام علی(ع) در رابطه با فرمان دادن عقل به خوبی و نهی از پلیدی، آشکار می‌شود که حسن و قبح افعال از عقلی نشأت می‌گیرد که برای آگاهی‌های باطنی و فطری در طول زندگی، جایگاه و اهمیت قائل است و از آنجا که این عقل، شهوداً و یقیناً به ادراک مطابق با واقع دست پیدا کرده و در برخی مراتب از آن عبور کرده است، در بررسی‌ها و تحلیلها دچار انحراف نمی‌شود و در گذر زمان، ارزشها به ضد ارزش مبدل نمی‌شود.

لذا وقتی امام علی(ع) در توصیف دوران جاهلیت می‌فرماید: «کوردمی همگان را فرا گرفته بود. خدای رحمان معصیت می‌شد و شیطان یاری می‌شد... دانشمند آن، لب فرو بسته و جاهل، گرامی بود» (نهج البلاغه: 37)؛ می‌توان گفت اگر خرد انسان، آگاهی‌های باطنی را در نظر نگیرد، به راحتی جریان فکری‌اش در مسیر انحراف از حقیقت و به تبع آن انحراف از عدالت قرار می‌گیرد.

لازمه تفکر فعال، رعایت عدالت‌ورزی است: «از نشانه‌های عقل، عمل بر مبنای عدل است» (آمدی، 1337، ج 2: 734). فرض این سخن آن است که عدالت خوب است و عقل، خوبی آن را درک و به آن ترغیب می‌کند. در نتیجه کسی که به عدالت رفتار می‌کند، تفکر او زنده است. لذا از جمله ویژگی‌های تفکر انتقادی، در نظر گرفتن معیار عدالت‌ورزی و رابطه آن با تفکر فعال و همیشگی است.

ه) بحث و نتیجه گیری

1. شاخصه‌هایی که در بینش و متون اسلامی، به خصوص در نگاه امام علی(ع) درباره تفکر انتقادی وجود دارد، آنچنان پربار و درخشنده است که می‌توان با ارائه دیدگاه‌های تازه، موجبات رشد خردورزی و تفکر انتقادی را در جامعه فراهم ساخت.

2. تفکر انتقادی چون از حیطة نظری و شناختی به حیطة عملی و رفتاری نیز کشیده می‌شود، انسان را از ناامیدی، راضی شدن به زندگی حیوانی، تقلید محض، شعارزدگی، سطحی‌نگری، بی‌تحریکی، عدم خلاقیت و از دست دادن فرصتها دور نگه می‌دارد و سبک زندگی را بر مبنای خردمندی، ارزشمند و

554 ♦ تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با ...

هدفدارمی‌سازد تا انسان حتی لحظه‌ای از مدار حقیقت خارج نشود؛ در حالی که عدم توجه به مبنا قرار گرفتن خودآگاهی فطری در تفکر انتقادی، سبب می‌شود دستاوردهای این نوع از تفکر، در حیات مادی و روانی انسان خلاصه شود (سطح ظاهری) و از حیات روحی و معنوی او (سطح باطنی) غفلت شود.

3. تجربه تاریخی در نقاط مختلف جهان بیانگر این است که اکثر مردم با عدم حضور نقادانه خویش به صورت ناآگاهانه، باعث افزایش خودکامگی حاکمان خویش شده و زمینه فریب بیشتر خود را فراهم ساخته‌اند. در حالی که با بهره‌گیری از تفکر انتقادی و توجه به آگاهی‌های باطنی خویش می‌توانند خود، راهبر خویش باشند و در درک معنای اختیار و آزادی انسان، تجدید نظر کنند.

4. نفوذ در عقاید و باورهای یک ملت زمانی شکل می‌گیرد که اندیشمندان آن جامعه، شیوه‌های صحیح خردورزی را آموزش ندهند و روحیه پرسشگری، کنجکاوی، مسئولیت‌پذیری، مراقبه، خودسنجی، دورانداشی، عبرت گرفتن از وقایع و حوادث، کشف ارتباط میان علت و معلول و پایداری و استقامت که از ویژگی‌های متفکران انتقادی است، جای خود را به روحیه انفعالی، ترس و اضطراب، وابستگی‌های کاذب، تقلید محض و کوردلی و افکار متعصبانه دهد.

5. امروزه با استفاده از فناوری‌های متنوع ارتباطی و اطلاعاتی، جمع‌آوری اطلاعات برای اکثر افراد میسر است، ولی بدون داشتن مهارت‌های لازم در زمینه نحوه تفکر صحیح، بیم آن می‌رود که تمایز حق و باطل، دشوارتر و درک حقایق ماورای واقعیات، پیچیده‌تر شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود در این راستا بر امر آموزش تفکر انتقادی و مهارت‌های آن در قالب شکل‌گیری نهادهای آموزشی کاربردی، اهتمام جدی شود.

6. با بررسی نقش تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری، آشکار می‌شود که ویژگی بارز این رویکرد این است که، سبک زندگی را کاملاً عقلانی می‌گرداند و حوادث و وقایع جهان هستی را به طور شفاف و سازماندهی شده‌ای تفسیر می‌کند. این شفافیت که گاه از آن با عنوان آگاهی‌های شهودی، باطنی یا فطری یاد شده، همواره تفکر را از حیطه شناختی به حیطه ارزشی و رفتاری واکنش‌های انسانی سوق می‌دهد. از این رو پیشنهاد می‌شود با معرفی الگوهای عینی در این زمینه و بیان سبک گفتار، اخلاق و رفتار آنها که همگی بر مبنای «چرا؟ به چه دلیل؟ چگونه؟» است؛ جایگاه تفکر انتقادی را بر مبنای فطرت ارتقا داد و عادت به تفکر صحیح، بدون ترس و واهمه و نیز چگونه اندیشیدن را در همه سطوح جامعه (حتی در بخش‌های نظامی و انتظامی) بهبود بخشید تا بتوان از منافع آن نیز بهره‌مند شد.

7. آگاهی از خود، تنها با درک محدودیتها، درک آزادی حقیقی و یافتن ارتباط آن با فطرت میسر می‌شود و تفکری از جنس نقد، می‌تواند آن را شکوفا سازد: «اگر مردم در عظمت قدرت خدا و بزرگی نعمتهای او می‌اندیشیدند، به راه راست بازمی‌گشتند» (نهج البلاغه: 262)



منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه. محمد دشتی (1387). تهران: اسوه.
- آمدی، عبدالواحد (1337). *غرار الحکم و دررالکلم*. ترجمه محمدعلی انصاری. تهران: افست.
- آمدی، عبدالواحد (1378). *غرار الحکم و دررالکلم*. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (1362). *شرح نهج البلاغه*. بی‌جا: دفتر نشر کتاب.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی و همکاران (1384). *انتکاده‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت*. قم: سماء قلم.
- جعفری، محمدتقی و همکاران (1360). *یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه*. [بی‌جا]: بنیاد نهج البلاغه.
- زاله‌فر، تقی (1379). *مقدمه‌ای بر معرفه‌النفس از دیدگاه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع)*. زنجان: زرنگار.
- سماهیچی، عبدالله بن صالح (1369). *الصحیفه العلویه*. تهران: الاسلامیه.
- شوشتری، محمدتقی (1376). *بهبج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*. تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، محمدحسین (1366). *ولایت‌نامه*. ترجمه همایون همتی. تهران: امیرکبیر.
- مایرز، چت (1374). *آموزش تفکر انتقادی*. ترجمه خدایار ایلی. تهران: سمت.
- محمودی، ایوب (1390). «ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (ع)». *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه امام حسین (ع)*، ش 13: 93-111.
- مقتدایی، لیل (1395). «جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی». *اسلام و علوم اجتماعی*، ش 15: 133-167.
- مطهری، مرتضی (1369). *فطرت*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (1380). *شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناظم‌زاده قمی، اصغر (1375). *جلوه‌های حکمت*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجفی، محمد؛ هادی حکیم شفاهی و پیمان یارمحمدزاده (1388). *رهبری و مدیریت از دیدگاه اسلام*. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.
- نیستانی، محمدرضا و داوود امام‌وردی (1392). *تفکر انتقادی (مبانی و مؤلفه‌ها)*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- **The Holy Quran**. Translated by Mohammad Mehdi Fooladvand.
- **nahjolbalaqe (Approach to rhetoric)**. Translated by Mohammad Dashti
- Brunner, J. (1984), "Critical thinking in teacher education: Towards a demythologization". *Journal of teacher education*, 40(3): 14-19.
- Ennis, R.H (1985). "A logical basis for measuring critical thinking skills". *Educational Leadership*, 43: 44-48.
- (2008). Tehran: Aswa.
- Amedi, Abdul Wahed (1919). *Ghorar Al-Hakam and Durar Al-Kalam*. Translated by Muhammad Ali Ansari. Tehran: Offset.

- Amedi, Abdul Wahed (1958). **Ghorar Al-Hakam and Durar Al-Kalam**. Translated by Hashem Rasouli Mahalli. Tehran: Islamic Farhang Publication Book.
- Bahrani, Maysam Ibn Ali ibn Maysam (1983). **Explanation of the rhetorical approach**. Bija: Book Publishing Office.
- Bakhtiar Nasrabadi, Hassan Ali & Others (2005). **New ideas in the philosophy of education**. Qom: Sama-e Qalam.
- Jafari, Mohammad Taghi & Others (1981). **Memorandum of the Millennium Congress**. [Bija]: Nahj al-Balaghah Foundation.
- Jalehfar, Taghi (2000). **An Introduction to the Knowledge of the Soul from the Viewpoint of Amir al-Mu'minin Ali ibn Abi Talib (as)**. Zanjan: Zarnegar.
- Mahmoudi, Ayub (2011). **“Characteristics and fruits of critical thinking from the perspective of Imam Ali (as)”**. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education*. Imam Hussein University, 13: 93-111.
- Makarem Shirazi, Nasser (2001). **A fresh and comprehensive description of Nahj al-Balaghah**. Tehran: Islamic Library.
- Motahhari, Morteza (1990). **Fetrat**. Tehran: Sadra.
- Muqtada'i, Leila (2016). **“The status and importance of critical thinking from the perspective of the Qur'an and Imam Ali (as)”**. *Quarterly Journal of Islam and Social Sciences*. 15: 133-167.
- Myers, Chat (1995). **Teaching critical thinking**. Translated by Khodayar Abili. Tehran: Samt.
- Najafi, Mohammad; Hadi Hakim Shafahi & Peyman Yar Mohammadzadeh (2009). **Leadership and management from the perspective of Islam**. Isfahan: University of Medical Sciences.
- Nazemzadeh Qomi, Asghar (1996). **Manifestations of Wisdom**. Qom: Islamic Propaganda Office.
- Neyestani, Mohammad Reza & Davood Imamverdi (2013). **Critical thinking (basics and components)**. Isfahan: Isfahan University Press.
- Shoushtari, Mohammad Taqi (1997). **Bahj al-Sabaghah in the explanation of Nahj al-Balaghah**. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1987). **Province letter**. Translated by Homayoun Hemmati. Tehran: Amir Kabir.

